

تحلیل الگوهای فضایی مهاجرت بین شهرستانی در فضای سرزمینی ایران

ایمان قلندریان ۱

هاشم داداش پور ۲

چکیده

الگوهای مهاجرت در دوره‌های زمانی مختلف اشکال فضایی متفاوتی به خود می‌گیرد؛ به گونه‌ای که شهرستان‌ها در شرایط زمانی و مکانی خاص می‌توانند مهاجرپذیری / فرستی بالایی را تجربه کنند. الگوهای نامتوازن مهاجرتی و تجمع و تمرکز آن‌ها در اطراف سکونتگاه‌های معین که معمولاً دارای فعالیت‌های مهم اقتصادی و اجتماعی و سیاسی هستند؛ موجب شکل‌گیری آرایش فضایی متفاوت با سایر مناطق می‌شود. مقاله حاضر با هدف تحلیل الگوهای فضایی مهاجرت در میان شهرستان‌های کشور در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و به دنبال شناخت ویژگی‌ها و الگوهای فضایی غالب انجام می‌شود. روش تحقیق مقاله کمی بوده و رویکرد آن توصیفی- تحلیلی می‌باشد و در آن از داده‌های سرشماری نفوس و مسکن و روش‌های ترکیبی برای تحلیل یافته‌ها بهره گرفته شده است.

نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که شهرستان‌های قرار گرفته در نواحی مرزی که به لحاظ جغرافیایی در حاشیه کشور قرار گرفته اند دارای مهاجر فرستی بالایی بوده و اکثریت شهرستان‌های مهاجرپذیر در مرکز کشور قرار دارند. از نظر مساحتی نیز بیشترین مساحت کشور (۶۱ درصد سطح کل کشور) در

۱- ایمان قلندریان- دانشجوی دوره دکتری شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس Email: I.ghalandarian@modares.ac.ir

۲- هاشم داداش پور- دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

Email: h-dadashoor@modares.ac.ir

اختیار شهرستان‌هایی است که دارای مهاجرپذیری بالایی هستند (۹۵ شهرستان). ۸۰ شهرستان مهاجر فرستی بالایی دارند. سایر شهرستان‌ها از کمترین پویایی در مهاجرت برخوردار بوده‌اند (۷۸ شهرستان). این یافته‌ها نشان می‌دهد هر چه قدر از مرکز به سمت پیرامون کشور حرکت می‌کنیم روند مهاجر فرستی تشدید می‌شود که حاکی از اختلاف توسعه در این مناطق و نیازمند توجه ویژه و سیاست‌گذاری برای دستیابی به تعادل‌های منطقه‌ای در نظام برنامه‌ریزی کشور است.

واژگان کلیدی: الگوهای فضایی، مهاجرت، فضای سرزمینی، شهرستان، ایران.

مقدمه

مهاجرت و چگونگی توزیع مجدد جمعیت در داخل کشور یکی از اساسی‌ترین عواملی است که سیاست‌گذاران اقتصادی و اجتماعی جامعه برای نظم دادن به جابجایی‌های جمعیتی (وارثی و باقری، ۹۲: ۶۸)، تغییرات الگوی سکونت و بازتوزیع فضایی جمعیت، به آن توجه می‌کنند (محمودی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۶). مهاجرت‌های داخلی در درون مرزهای یک سرزمین انجام شده و به دو دسته مهاجرت‌های درون منطقه‌ای و بین منطقه‌ای تقسیم می‌شود. اگر مهاجرت در درون شهرستان‌های یک منطقه انجام بگیرد، مهاجرت درون منطقه‌ای و اگر از یک منطقه به منطقه‌ای دیگر صورت بگیرد، مهاجرت بین منطقه‌ای است. این نوع مهاجرت‌ها، الگوهای مختلفی را در بر می‌گیرد که می‌توان آن را به انواع مختلفی مانند مهاجرت منطقه به منطقه، شهر به شهر، شهر به روستا، روستا به شهر و روستا به روستا تقسیم کرد (قاسمی اردهائی و حسینی راد، ۱۳۸۷، ص ۳).

از آن جا که اکثر مهاجران را جوانان جویای کار تشکیل می‌دهند در نتیجه نوعی عدم تعادل (از نظر ساختار سنی) بین جمعیت شاغل در مناطق شهری (قطب مشاغل صنعتی و خدماتی) و مناطق روستایی (قطب مشاغل کشاورزی) پدید می‌آید. این عدم تعادل به صورت سالخورده‌تر شدن جمعیت کشاورز و جوان‌تر شدن جمعیت شاغل در بخش‌های صنعت و خدمات و نیز خالی شدن یک منطقه نسبت به منطقه‌ای دیگر جلوه‌گر می‌شود. تا چند دهه قبل، تصور می‌شد که مهاجرت داخلی فرایندی طبیعی است که کارگران اضافی به

تدریج از بخش روستایی خارج می‌شوند تا نیروی کار مورد نیاز برای رشد صنعتی شهری را فراهم کنند؛ زیرا فرض می‌شد منابع انسانی از مکان‌هایی که تولید اجتماعی آنها اغلب صفر است به مکان‌هایی که این تولید نهایی نه تنها مثبت بلکه در نتیجه تراکم سرمایه و پیشرفت فناوری به سرعت در حال رشد است، جابه‌جا می‌شوند (تودارو، ۱۳۶۷). ولی امروزه با مشاهده‌ی نرخهای بالای مهاجرت و تداوم تفاوت‌های قابل ملاحظه در نرخهای بیکاری و سطح درآمد بین مناطق مهاجرپذیر و مهاجرفرست و بروز مشکلات اقتصادی و اجتماعی مختلف، مطلوب بودن این پدیده زیر سؤال رفته (اوبری، ۱۳۷۰: ۸۲) و باعث شده تا برنامه ریزان، دیگر مهاجرت را «جریانی مفید و لازم برای حل مسأله تقاضای در حال رشد شهرها برای نیروی کار» ندانند.

پیامد این مهاجرت‌های بی‌رویه از یک منطقه به منطقه‌ای دیگر، منجر به تشدید عدم تعادل‌های منطقه‌ای و رشد سریع و تمرکز فزاینده جمعیت در یک یا چند نقطه سکونتگاهی و بی‌عدالتی در توزیع فرصت‌ها و ناکارآمدی نظام سکونتگاهی شده است (امانپور و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۱)؛ که به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات دراز مدت و طولانی، آثاری سریع و کوتاه مدت در ساختار فضایی جمعیت کشور بوجود آورد (زرقانی و موسوی، ۱۳۹۲، ص ۸). توزیع فضایی مهاجرت تنها بر اساس سطوح مختلف جمعیتی و به موازات توزیع سکونتگاه‌ها و متناسب با جمعیت آن‌ها صورت نمی‌گیرد و حتی الگوهای مهاجرت در دوره‌های زمانی مختلف با توجه به شرایط زمانی و مکانی اشکال فضایی متفاوتی به خود می‌گیرد؛ به گونه‌ای که یک شهرستان در دوره زمانی خاص با وقوع جنگ، بیکاری، خشکسالی و عواملی نظیر آن شاهد نرخ خالص مهاجرت منفی و شهرستانی دیگر با توجه به شرایطی مانند ایجاد و رونق صنایع پیشاهنگی، رونق گرفتن تجارت و مبادلات، ارتباط با بازارهای محلی و منطقه‌ای و ... می‌تواند دارای نرخ خالص مهاجرت بالایی باشد (Gries et. Al, 2015). الگوهای نامتوازن مهاجرتی و تجمع و تمرکز آن‌ها در اطراف سکونتگاه‌های معین که معمولاً دارای فعالیت‌های مهم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستند؛ موجب شکل‌گیری آرایش فضایی متفاوت با سایر مناطق می‌شود. از این رو، مقاله حاضر با هدف تحلیل و شناسایی الگوهای فضایی مهاجرت در میان شهرستان‌های کشور در سال‌های

۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ انجام می‌شود. سؤال‌های مطرح در این زمینه عبارتند از اینکه: ۱. کدام شهرستان‌ها میزان مهاجرت، مهاجر فرستی و مهاجرپذیری بالاتر یا پایین‌تری دارند؟ ۲. توزیع فضایی مهاجرت در شهرستان‌های ایران از چه الگویی تبعیت می‌کند؟

چارچوب نظری

مهاجرت از عوامل اصلی تغییر و تحول جمعیت و مهم‌ترین عامل بیرونی تغییر در ساختار فضایی جمعیت محسوب می‌شود. در فرهنگ دهخدا مهاجرت به معنای "ترک دیار گفتن و در مکان دیگر اقامت کردن" تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۹۴). کامیر مهاجرت را به عنوان حرکت افراد یا گروه‌هایی که تمایل به ماندن در مکان جدید برای بعضی دوره‌های زمانی دارند تعریف کرده است (قاسمی اردهائی و حسینی راد، ۱۳۸۷، ص ۳). به عبارتی مهاجرت، به هر گونه تغییر همیشگی محل اقامت گفته می‌شود و شامل رها کردن فعالیت‌های سازمان یافته در یک محل و انتقال دایره فعالیت‌ها به منطقه دیگر است (ربانی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۹۱). رولاند پرسا برای مهاجرت سه ویژگی در نظر گرفته است: وجود فاصله مکانی بین دو محل، دائمی و طولانی بودن مدت اقامت در محل جدید و وجود فاصله در زمان انجام مهاجرت (زنجانی، ۱۳۸۰، ص ۶).

در زمینه الگوهای فضایی مهاجرت مطالعات داخلی و خارجی متعددی صورت گرفته است. در این میان، نیک لومکس و دیگران (۲۰۱۴) در مقاله مهاجرت داخلی در بریتانیا، به بررسی چگونگی مهاجرت داخلی میان مناطق محلی در دهه اول قرن ۲۱ پرداختند. نتایج یافته‌های آنها نشان می‌دهد که میزان مهاجرت خالص از شهرها به مناطق روستایی به نسبت الگوهای کهن کاهش یافته است. معکوس شدن الگوی مهاجرت خالص از جنوب به شمال به دلیل افزایش جابجایی‌ها از شهرهای شمالی به شهرهای جنوبی است (Nik Lomax et. Al, 2014). لی و شن (۲۰۱۴) در مقاله مهاجرت درون استانی، توسعه منطقه‌ای و سیاست دولت در چین، به بررسی چگونگی تغییر شاخص‌های مهاجرت در طول ۲۵ سال می‌پردازند. در این مقاله از شاخص‌های بهره‌وری مهاجرت، مجموع خالص نرخ

مهاجرت (ANMR)^۱ و نابرابری مهاجرت استفاده شده است. نتایج این مقاله نشان داد که مهاجرت در طول دوره مورد بررسی افزایش یافته است. افزایش اختلاف‌های منطقه‌ای موجب افزایش شدید مهاجرت از داخل کشور به سمت سواحل بوده و قطب‌های اقتصادی مختلف در این کشور، مقصد مهاجران بوده است. مهاجرت گسترده به سمت شرق ناشی از توسعه نامتوازن اقتصادی است (Li and shen: 2014). در هند آجای شارما و چاندراسخار^۲ (۲۰۱۵) شهرنشینی و الگوهای فضایی مهاجرت‌های داخلی هند را با هدف شناسایی جریان‌های غالب مهاجرت بررسی کرده‌اند. آن‌ها مهاجرت را به دو دسته بین ایالتی و درون ایالتی (درون بخشی + بین بخشی) و جریان‌های مهاجرتی را به چهار دسته روستا به روستا، روستا به شهر، شهر به روستا و شهر به شهر تقسیم کرده و معتقدند در حالی که مهاجرت درون ایالتی (بخصوص روستا به روستا) به عنوان جریان غالب مهاجرت همچنان ادامه دارد؛ جریان مهاجرت‌های بین ایالتی نیز افزایش یافته است. لی یانگ^۳ و دیگران (۲۰۱۴) در مقاله الگوهای فضایی زمانی مهاجرت بین استانی چین با استفاده از نقشه‌های تهیه شده به بررسی روند مهاجرت بین استان‌ها در دوره‌ی ۲۵ ساله از ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۰ و تغییرات آن‌ها در دوره مذکور پرداخته‌اند. نتایج مقاله نشان داد تغییرات فضایی زیادی در شدت مهاجرت بین استانی و افزایش قابل توجهی در میزان مهاجرت در شرق چین رخ داده است. مهاجرت در جنوب نسبت به شمال در طول این سه دهه بیشتر شده و به نسبت الگوهای قبلی الگوی فضایی-زمانی جدیدی به دست آمده است (Yang et al. 2014). نیکلا سندر^۴ (۲۰۱۴) با هدف بررسی چگونگی تأثیر جریان‌های مهاجرت داخلی بر تغییرات جمعیت مناطق به تدوین مقاله مهاجرت داخلی آلمان در ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ پرداخته است. در این مقاله از داده‌های آماری منحصر بفردی استفاده شده است که مهاجرت درون منطقه‌ای را به صورت سالانه و برای ۳۹۷ منطقه ثبت نموده است. در این مقاله، بر اساس پیش بینی میزان مهاجرت و مهاجرت اتفاق افتاده به مقایسه آن‌ها پرداخته شده است (Sander, 2014). نتایج نشان داد که شدت مهاجرت بین مناطق شرقی بیشتر از مهاجرت شرقی- غربی است. به دنبال الگوی حومه

^۱. Aggregate Net Migration Rate

^۲. S. Chandrasekhar - Ajay Sharma

^۳. Li Yang

^۴. Nikola Sander

گرایی قوی در دهه ۱۹۹۰ تا دهه اخیر مهاجرت میان شهرستان‌ها در شرق آلمان، نتیجه افزایش تمرکز جمعیت در شهرهای برلین، لایپزینگ و درسدن بوده و افزایش مهاجرت خالص به دلیل هسته‌های شهری در سراسر آلمان بوده است. ایران‌دوست و دیگران (۱۳۹۲) در مقاله تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور به بررسی و ارزیابی وضعیت و دگرگونی روند مهاجرت‌های داخلی کشور و تحولات اساسی به ویژه در دهه اخیر پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد با وجود اینکه بحث مهاجرت و گسترش شهرنشینی ناشی از مهاجرت در دو دهه ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ بسیار پر رنگ‌تر بوده و بیشترین تحولات اجتماعی-سیاسی کشور در دو دهه ۱۳۵۵ تا ۷۵ روی داده است، اما عمده مهاجرت در کشور به دهه ۷۵ تا ۸۵ مربوط می‌شود. در این دهه الگوی مهاجرت شهر به شهر در حال افزایش بوده و تبدیل به الگوی مسلط مهاجرت شده است.

قاسمی اردهائی و حسینی راد (۱۳۸۷) به مطالعه جریان‌های مهاجرت داخلی ایران طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های آنها، بیشترین مهاجرت به مقصد استان تهران، خراسان رضوی، اصفهان، گیلان و مازندران انجام گرفته است. در زمینه مهاجران خارج شده از استان‌ها؛ استان تهران با ۱۷/۲۵ درصد در رتبه نخست و آذربایجان شرقی، خوزستان، خراسان رضوی و اصفهان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین استان تهران با ۵/۱۸+ بیشترین میزان خالص مهاجرت سالیانه را داشته است.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق این مقاله کمی بوده و رویکرد مورد استفاده در آن توصیفی-تحلیلی می‌باشد. شیوه جمع‌آوری داده‌ها اسنادی و از آمارهای مربوط به دوره‌های سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ استفاده شده است. از روش‌های ترکیبی مختلفی برای تحلیل داده‌ها بهره گرفته شده است. متغیرهای پژوهش شامل تعداد مهاجران وارد شده و خارج شده، تعداد جمعیت در ابتدا و انتهای دوره و میان دوره بوده و واحد تحلیل آن کلیه شهرستان‌های کشور می‌باشد. برای محاسبه شاخص خالص و ناخالص مهاجرت نیاز به جمعیت میانه بود و باید جمعیت سال ۱۳۸۵ برای شهرستان‌ها استخراج می‌شد. با توجه به اینکه تعدادی از شهرستان‌ها در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ شکل گرفته و در سرشماری ۱۳۸۵ از آن‌ها ذکری به عمل نیامده

است؛ برای استخراج جمعیت آنها به گزارش برآورد جمعیت شهرستان‌های کشور بر اساس محدوده جغرافیایی ۱۳۸۹ استناد شد. البته برخی از شهرستان‌ها در این گزارش نیز ذکر نشده بود که با استفاده از داده‌های استانی و جمع آوری جمعیت بخش‌های تشکیل‌دهنده شهرستان، این داده‌ها نیز به دست آمدند.

علاوه بر این با توجه به اینکه در سال ۱۳۸۵ شهرستان‌های مذکور به عنوان بخشی از یک شهرستان بزرگتر بوده‌اند، جمعیت آنها از شهرستان بزرگتر کسر شدند. سپس به تحلیل نقشه‌های GIS بر اساس اطلاعات و تقسیمات سیاسی ۱۳۹۰ اقدام شده و بر اساس روش‌های مکان پایه به تحلیل داده‌ها پرداخته شد. برای پردازش داده‌های جمع آوری شده از روش‌های تحلیل زیر بهره گرفته شد.

مرحله اول: محاسبه تک شاخص^۱

در این مرحله نرخ خالص و ناخالص مهاجرت شهرستان و نرخ مهاجرت درون شهرستانی بررسی می‌شود. با استفاده از شاخص خالص مهاجرت می‌توان مناطق مهاجر پذیر ($I_i > O_i$) و مناطق مهاجر فرست ($I_i < O_i$) را شناسایی نمود (رابطه ۱). اشکال این شاخص در آن است که نمی‌تواند مناطق پویای مهاجرتی را مشخص نماید یعنی مناطقی که هم مهاجرپذیری و هم مهاجرفرستی بالایی دارند؛ چون فقط اختلاف را بررسی می‌کند. از طرفی شاخص ناخالص مهاجرت سطوح مختلف مهاجرت فعال و غیر فعال را مشخص می‌کند (Fan, 2005, p 299) (رابطه ۲) اما نمی‌تواند بیانگر میزان خالص مهاجرت به تفکیک مهاجر فرستی و مهاجرپذیری باشد.

$$GM_i = \frac{I_i + O_i}{P_i} \quad \text{رابطه ۲} \quad \quad \quad NM_i = \frac{I_i - O_i}{P_i} \quad \text{رابطه ۱}$$

با استفاده از شاخص خالص مهاجرت (NM_i) می‌توان مناطق را به ۴ دسته زیر تقسیم

نمود:

^۱.single index

الف). مناطق با میزان مهاجرپذیری بالا؛ ب). مناطق با میزان مهاجرپذیری پایین؛ ج) مناطق با میزان مهاجرفرستی بالا د) مناطق با میزان مهاجر فرستی پایین.
با استفاده از شاخص ناخالص مهاجرت (GMI) می توان مناطق را به ۴ دسته زیر تقسیم بندی کرد:

الف) مناطق با نرخ مهاجرت بالا ب) مناطق با نرخ مهاجرت متوسط ج) مناطق با نرخ مهاجرت پایین د) مناطق غیر فعال (یا مناطق با نرخ مهاجرت ثابت یعنی مجموع مهاجرین وارد شده و خارج شده این مناطق کم است به عبارتی). با استفاده از شاخص میزان مهاجرت داخلی شهرستان می توان به این نتیجه رسید که میزان پویایی جمعیت در داخل شهرستان چقدر است (رابطه ۳). بر اساس آن، تعداد نفرات جابجا شده در شهرستان (مهاجرت از روستا به شهرها و از شهر به شهر در داخل شهرستان) به ازای هر ۱۰۰ نفر مشخص می‌شود. این شاخص نیز در کنار دو شاخص دیگر تکمیل می‌شود زیرا نمی تواند میزان مهاجران وارد شده و خارج شده از شهرستان را شناسایی کند.

$$\text{رابطه ۳: } IM = \frac{M}{P} * 100$$

مرحله دوم: محاسبه شاخص ترکیبی تعدیل شده^۱

در این مرحله دو شاخص با هم ترکیب می‌شوند. با جمع و تفریق دو فرمول ۱ و ۲ رابطه ۴ و ۵ به دست می آید.

$$\text{رابطه ۴: } NM_i + GM_i = \frac{2I_i}{P_i} \geq 0$$

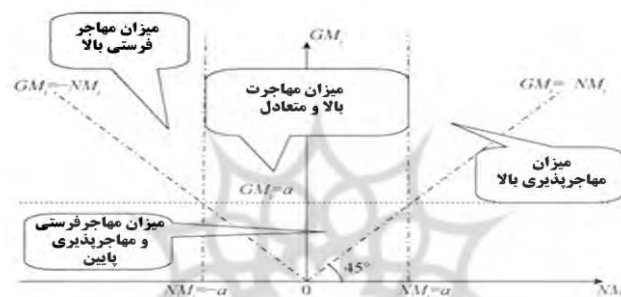
$$\text{رابطه ۵: } NM_i - GM_i = -\frac{2O_i}{P_i} \leq 0$$

^۱. Modified composite index method

$$\begin{cases} GM_i \geq -NM_i \\ GM_i \geq NM_i \end{cases}$$

از روابط بالا رابطه ۶ به دست می آید. رابطه ۶:

با توجه به این رابطه مشخص می شود که تمامی مناطق بین دو خط $GM_i = NM_i$ و $GM_i = -NM_i$ قرار دارند. با توجه به روابط بالا شکل شماره ۱ ترسیم می شود.



شکل شماره ۱: انواع مناطق از نظر شاخص ترکیبی خالص و ناخالص جمعیت

بنابراین با توجه به شکل بالا مشخص می شود اگر:

$GM_i > a$ and $NM_i > a$: منطقه دارای مهاجرت پذیری بالایی است.

$GM_i > a$ and $NM_i < a$: منطقه، مهاجرت بالا و متعادل دارد. به عبارت دیگر مهاجران وارد شده و خارج شده در این منطقه عدد قابل توجهی است اما تفاوت زیادی میان آنها وجود ندارد و متعادل است.

$GM_i > a$ and $NM_i < a$: منطقه دارای مهاجر فرستی بالایی است.

$GM_i < a$ and $NM_i > a$: منطقه از نظر مهاجرت، غیر فعال است؛ به بیان دیگر مهاجر فرستی و مهاجرت پذیری پایینی دارد (Shenghe et al, 2011).

در این شاخص a بیانگر میزان مهاجران به کل جمعیت کشور است. این مقدار بر اساس مطالعات جهانی حدود ۱۰ درصد به دست آمده است (Haw, 1990; Caroline et al, 2000; Chan, 2010). البته بر طبق محاسبه نگارندگان جمعیت شناور ایران به کل جمعیت در دوره مورد بررسی نیز حدود ۱۰ درصد بوده است.

سنگه و دیگران (۲۰۱۴) در مطالعه خود به خطاهای موجود در شاخص ترکیبی اشاره نموده^۱ و شاخص ترکیبی تعدیل شده را پیشنهاد کرده‌اند؛ که نسبت جمعیت شناور منطقه به کل جمعیت شناور را به عنوان ضریبی در نظر می‌گیرد. مناطق مشخص شده در این شاخص نیز مانند شاخص قبلی است و تنها تفاوت آن تعدیل شاخص می‌باشد. شاخص RNMi (شاخص تعدیل شده مهاجرت خالص) و RGMi (شاخص تعدیل شده مهاجرت ناخالص) در رابطه ۷، ۸ و ۹ آورده شده است.

$$RNM_i = \begin{cases} NM_i \times \frac{I_i}{\sum_{i=1}^n I_i} \times 1000 & (\text{if } NM_i > 0) \\ NM_i \times \frac{O_i}{\sum_{i=1}^n O_i} \times 1000 & (\text{if } NM_i < 0) \end{cases}$$

رابطه ۷:

$$RGM_i = GM_i \times \frac{I_i + O_i}{\sum_{i=1}^n I_i + \sum_{i=1}^n O_i} \times 1000$$

رابطه ۸:

$$ra = a \times \overline{RGM}_i$$

رابطه ۹:

یافته‌ها و بحث

در ادامه با توجه به توضیحات ارائه شده و با هدف پاسخ به پرسش‌های پژوهش، یافته‌ها ارائه شده است.

میزان مهاجرت، مهاجر فرستی و مهاجرپذیری شهرستان‌ها

در پاسخ به سوال اول از شاخص مهاجرت خالص و ناخالص استفاده شد. بر این اساس میانگین مهاجر فرستی شهرستان‌ها ۱/۶- و میانگین مهاجرپذیری آن‌ها ۲/۷۷ به دست آمده است. در این روش، شهرستان‌هایی که شاخص خالص مهاجرت آن‌ها بین ۰ و ۱/۶- باشد

^۱ چون نسبت جمعیت منطقه را به جمعیت کشور محاسبه نمی‌کند و شاخص ممکن است کمتر یا بیشتر از مقدار واقعی را محاسبه کند

میزان مهاجر فرستی پایین و اگر کمتر از این عدد ($1/6-$) باشند میزان مهاجر فرستی بالایی دارند. چنانچه خالص مهاجرت شهرستانی بین ۰ تا $2/77$ باشد مهاجرپذیری پایین و اگر بیشتر از این عدد باشد مهاجرپذیری بالایی دارد. به طور کلی شکل شماره ۲ نشان می‌دهد که میزان مهاجرپذیری در مناطق مرکزی کشور بالا بوده و هر چه قدر به سمت مناطق پیرامونی حرکت می‌کنیم از میزان مهاجرپذیری کاسته شده و روند مهاجر فرستی افزایش می‌یابد داده‌های تفصیلی حاکی از آن است که تعداد ۷۵ شهرستان (۱۷ درصد کل شهرستان‌های کشور) دارای مهاجر فرستی بالا، ۱۱۶ شهرستان مهاجر فرستی پایین (۲۱ درصد)، ۱۵۴ شهرستان مهاجرپذیری پایین (۲۹ درصد) و ۵۲ شهرستان مهاجرپذیری بالایی برخوردارند (شکل شماره ۲).

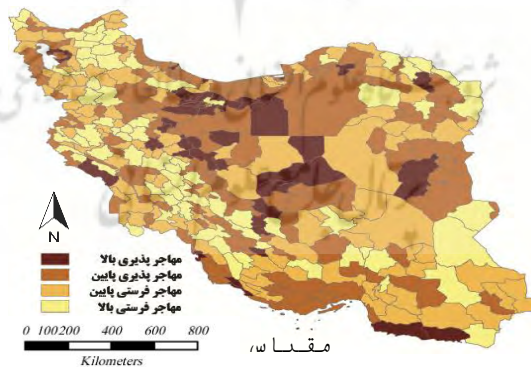
تحرك جمعیتی از نظر میزان مهاجرت ناخالص، میانگین ۸ (در ۱۰۰ نفر) را نشان می‌دهد که گویای تحرك جمعیتی فعال و قابل توجه در کل کشور است (شکل شماره ۳). تنها استثنا در این میان به مناطق جنوب شرقی کشور شامل بخشی از هرمزگان و بلوچستان بر می‌گردد که در آنها نرخ مهاجرت پایین یا نزدیک به صفر بوده و حاکی از چسبندگی به مکان این جمعیت در مناطق مربوطه است. علاوه بر این، مناطق جنوبی، شمالی، شمال غربی و غرب کشور دارای نرخ مهاجرت متوسط و نسبتاً بالا و مناطق مرکزی نظیر شهرستان‌های استان‌های سمنان، یزد و ایلام و البرز نرخ مهاجرت بالایی دارند. مناطق شرقی و شمال شرقی نیز دارای مهاجرت متوسط و پایین هستند.

بررسی مهاجرت درونی در کشور (بر طبق جدول شماره ۱ و شکل شماره ۴) نشان می‌دهد که میزان مهاجرت داخل شهرستانی بسیار اندک بوده و فاصله نزدیک تعیین کننده شدت مهاجرت نیست و بر عکس اغلب مهاجران به خارج از شهرستان‌های خود مهاجرت می‌کنند. این شاخص برای ۳۶۷ شهرستان کمتر از ۵ درصد و برای ۲۹ شهرستان کمتر از ۹ درصد می‌باشد. تنها شهرستان پارس آباد اردبیل حدود $21/5$ درصد جمعیت آن در داخل شهرستان جابجا می‌شوند که رقم قابل توجهی است که دلیل عمده آن به ساختار عشایری شهرستان مربوطه بر می‌گردد. علاوه بر این، جدول شماره یک نشان می‌دهد که بیشترین تعداد مهاجران وارد شده و خارج شده متعلق به سه منطقه کلان شهری کشور شامل تهران،

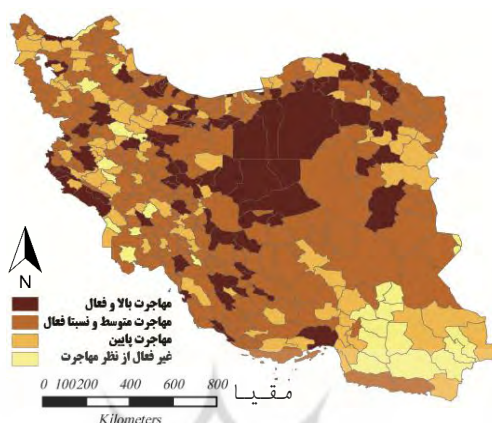
کرج و مشهد می‌باشد که به جذابیت‌های این مناطق در جلب مهاجرت از مناطق دیگر دارد. نکته قابل تامل در اینجا این است که تعداد مهاجرت‌های خارج شده از تهران خیلی قابل توجه بوده و نشان‌دهنده این است که روند رشد جمعیت در شهرستان تهران متوقف شده و سر ریز جمعیت به منطقه کلان شهری تهران گرایش یافته است که گویای آغاز شکل‌گیری الگوی فضایی چندمرکزی در منطقه مربوطه است (داداش پور و لواسانی، ۱۳۹۳؛ داداش پور و تدین، ۱۳۹۴؛ کاظمی پور و حاجیان، ۱۳۹۰). این یافته زمانی قابل تامل می‌نماید که در دوره مذکور تعداد مهاجران وارد شده به کرج از مهاجران خارج شده در دوره مذکور بالاتر است.

جدول شماره ۱: بیشترین و کمترین میزان شاخص‌های مهاجرت در شهرستان‌های کشور ۹۰-۱۳۸۵

مهاجرت‌درون شهرستانی بازای ۱۰۰ نفر	مهاجرت ناخالص بازای ۱۰۰ نفر	خالص مهاجرت بازای ۱۰۰ نفر	تعداد مهاجران خارج شده (نفر)	تعداد مهاجران وارد شده (نفر)	شهرستان
پارس آباد ۲۲ شهریار ۹	ابوموسی ۷۴/۹ ریاط کریم ۲۵/۱	ابوموسی ۵۴/۱ ملارد ۱۷/۶	تهران ۴۹۸۰۹۹ مشهد ۱۱۰۵۵۴	تهران ۲۴۱۵۴۹ کرج ۱۷۵۷۹۰	تهران کرج
سرعین ۰/۳ فهرج ۰/۱	دلگان ۰/۷ رودبار جنوب ۰/۵	هشترود ۶/۲۲- مسجد سلیمان ۷/۰۵-	رودبار جنوب ۱۱۳ هیرمند ۱۰۵	کوهنگ ۱۸۰ فهرج ۱۴۰	کوهنگ فهرج



شکل شماره ۲: میزان مهاجرپذیری و مهاجر فرستی به تفکیک شهرستان‌ها در سال ۱۳۹۰



شکل شماره ۳: مهاجرت ناخالص به تفکیک شهرستانها در سال ۱۳۹۰

الگوی فضایی مهاجرت در شهرستانهای ایران:

برای پاسخ به سوال "چگونگی توزیع فضایی مهاجرت در شهرستانهای ایران" از شاخص ترکیبی تعدیل شده استفاده شده است. جدول شماره ۲ و شکل شماره ۴ بیانگر بررسی شاخص تعدیل شده در کشور است.^۱ با تعدیل شاخص ترکیبی و در نظر گرفتن نسبت مهاجران شهرستان به کل مهاجران کشور مشخص شد که ۶۱ درصد مساحت کل کشور در اختیار شهرستانهایی است که خالص مهاجرپذیری بالایی (فعال) دارند. ۱۴۴ شهرستان (۲۳ درصد مساحت کل کشور) نیز مهاجرت بالا و متعادلی دارند. ۸۰ شهرستان (۳ درصد مساحت کل کشور) متعلق به شهرستانهایی است که مهاجر فرستی بالایی دارند. ۷۸ شهرستان (۱۳ درصد مساحت کل کشور) نیز از نظر مهاجرت غیر فعالند (مهاجر فرستی و مهاجرپذیری پایینی دارند). بررسی تفصیلی تر داده‌ها نشان می‌دهد که مناطق مرکزی، شمالی و برخی سواحل جنوبی کشور در بوشهر، هرمزگان و خوزستان دارای مهاجرپذیری بالایی بوده در حالی که این روند در برخی مناطق کشور حاکی از تثبیت جمعیت در آنهاست.

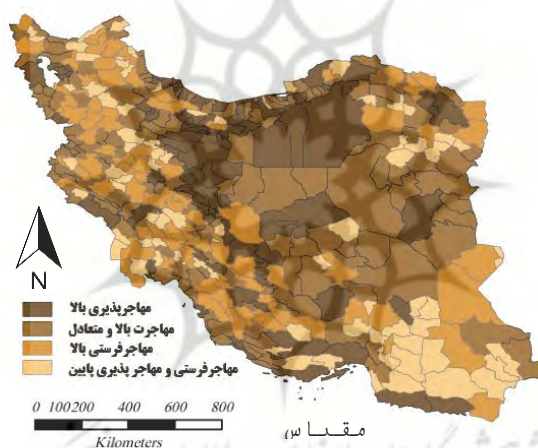
^۱ با توجه به رابطه $\alpha = 24.5 * 0/10$ برابر است با $2/45$

بررسی تطبیقی این تحقیق با مطالعه دیگر نکته‌های را نشان می‌دهد که بیشترین مهاجرفرستی عمدتاً در مناطقی صورت می‌گیرد که از توسعه یافتگی کمتری برخوردار بوده و کیفیت زندگی در آنها پایین است. این مناطق عمدتاً در استانهای ایلام، سیستان و بلوچستان، چهار محال و بختیاری، کرمانشاه و مانند آنها قرار می‌گیرند که به رغم بهبود استانداردهای زندگی در این مناطق، از بی عدالتی فضایی رنج می‌برند (Dadashpoor and Khalighi, 2015). این مهم بیانگر آن است که عمدتاً نواحی مرزی که به لحاظ جغرافیایی در حاشیه کشور قرار گرفته‌اند وضعیت نامناسبی دارند که از پیامدهای اصلی، تداوم کم توسعه‌گی در این مناطق و انتقال ناامنی فرا سرزمینی به داخل کشور بواسطه تخلیه جمعیت از مرزهای جغرافیایی کشور به عنوان طبیعی‌ترین نگهبانان این سرزمین است.

جدول شماره ۲: بررسی شاخص ترکیبی تعدیل شده مهاجرت در شهرستان‌های ایران ۱۳۹۰

ویژگی فضایی	خالص مهاجرت	مهاجرت		تعداد شهرستان‌ها	نوع منطقه
		مهاجران خارج شده (نفر)	مهاجران وارد شده (نفر)		
۶۱ درصد سطح کل کشور تمرکز این نوع شهرستان در مرکز کشور است. البته تعدادی از شهرستان‌های ساحلی نیز اضافه شده‌اند.	۷۴۴۲۸۰	۹۳۰۸۶۳	۱۶۷۵۱۵۱	۹۵ شهرستان (۲۴ درصد)	میزان مهاجرت - پذیری بالا
شهرستان‌های مهم: بیرجند، کرج، ارومیه، شیراز، مشهد، بوشهر، قم، ساری، یزد، سمنان	-۳۰۵۶	۵۲۷۱۳۳	۵۲۴۰۷۷	۱۴۴ شهرستان (۳۶ درصد)	میزان مهاجرت بالا و متعادل
۲۳ درصد سطح کل کشور بیشتر در شرق و مرکز کشور و تعدادی از شهرستان‌های ساحلی نیز در این دسته قرار دارند: بجنورد و کرمان و دشتی و نور و چالوس و					

۳ درصد سطح کل کشور بیشتر در غرب و جنوب غربی و در جنوب شرقی کشور. همدان، اهواز، خرمشهر، تبریز، کرمانشاه، شهر کرد، اراک، قزوین، زاهدان، اصفهان، خرم آباد، اردبیل، ایلام، سندج، تهران	-۶۷۷۱۹۱	۱۵۶۵۷۴۸	۸۸۸۵۵۷	۸۰ شهرستان (۲۰درصد)	میزان مهاجر فرستی بالا
۱۳ درصد سطح کل کشور به صورت متمرکز در استان‌های سیستان و کرمان و به صورت پراکنده نیز در کل کشور مشاهده می‌گردد.	۲۷۹۱	۷۱۵۶۵	۷۴۳۵۶	۷۸ شهرستان (۲۰درصد)	مهاجرت غیر فعال



شکل شماره ۴: شاخص ترکیبی تعدیل شده مهاجرت شهرستانی در سال ۱۳۹۰

برای فهم دقیق‌تر از الگوهای فضایی مهاجرت در فضای سرزمینی کشور، آنها را به ۷ منطقه مرکزی، جنوب شرقی، شرق و شمال شرقی، شمالی، جنوبی، شمال غربی و غربی تقسیم می‌کنیم. در منطقه مرکزی ۵۶ درصد شهرستان‌ها مهاجرپذیری بالایی دارند که یکی از دلایل عمده آن به تمرکز صنایع بزرگ و پیشاهنگی، وجود امکانات، نیروی انسانی ماهر و سرمایه گذاری قابل توجه در این مناطق بر می‌گردد و نشان می‌دهد که مهاجرت با میزان برخورداری و توسعه یافتگی در کشور رابطه معنی داری دارد.

در منطقه جنوب شرقی شهرستان‌های زابل، زاهدان، ایرانشهر و چابهار در استان سیستان و بلوچستان و کهنوج و جیرفت و بافت و رفسنجان در کرمان جزو شهرستان‌های مهاجرفرست می‌باشند که می‌توان این مساله را بر اساس نظریه محرومیت نسبی تحلیل نمود؛ یعنی مهاجرت در پاسخ به محرومیت انجام می‌شود. البته ۱۹ درصد شهرستان‌ها نرخ مهاجرت ثابتی دارند و چسبیده به مکان هستند که شاید یکی از دلایل آن به ترکیب جمعیتی و قومیتی آنها بر می‌گردد.

۴۹ درصد شهرستان‌های شرقی و شمال شرقی کشور دارای مهاجرت بالا و متعادلی هستند؛ یعنی این منطقه از نظر جمعیتی در تعادل نسبی به سر می‌برد. روند مهاجرت در قسمت‌های شمالی کشور نشان‌دهنده مهاجرپذیری آنهاست و تنها ۴ درصد شهرستان‌های شمالی کشور مهاجرفرست محسوب می‌شوند. گذار جمعیتی در مناطق غربی در مقایسه با شرق کشور از مهاجر فرستی آنها خبر می‌دهد و داده‌ها نشان می‌دهد که در مقابل ۱۷ شهرستان مهاجر فرست در مناطق غربی کشور، فقط ۱ شهرستان مهاجر پذیر است که بیانگر حرکت‌های جمعیتی از این منطقه به مناطق پیرامونی و بویژه مناطق مرکزی کشور است. اختلاف سطح توسعه و استاندارد زندگی میان سکونتگاه‌های غربی با مرکزی باعث فرایند دافعه از مناطق غربی و جاذبه در مناطق مرکزی کشور شده است.

در منطقه جنوبی شهرستان‌های استان هرمزگان با توجه به موقعیت جغرافیایی و سواحل کشور از بیشترین مهاجرپذیری برخوردار است. این مساله در شهرستان جم و کنگان هم مصداق دارد که به علت قرارگیری در نزدیکی عسلویه و عملی شدن برنامه‌های توسعه کشور، به مهاجرپذیری این مناطق از مناطق دیگر منجر شده است. علی‌رغم ظرفیت‌های توسعه‌ای و توانهای طبیعی مناسب در استان خوزستان، اکثریت شهرستان‌های استان خوزستان مهاجر فرست‌اند. جدول شماره ۳ و شکل شماره ۵ تقسیم بندی مناطق کشور را بر اساس وضعیت مهاجرت نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: تقسیم بندی مناطق کشور بر اساس وضعیت مهاجرت در سال ۱۳۹۰

ویژگی‌ها	نوع مهاجرت در شهرستان‌ها				نوع منطقه
	مهاجرت بین‌شهرستانی	مهاجرت فرستی بالا	مهاجرت بالا و متعادل	مهاجرت پذیری بالا	
زابل، زاهدان، ایرانشهر و چابهار در استان سیستان و کهنوج و جیرفت و بافت و رفسنجان در کرمان جزو شهرستان‌های مهاجر فرست محسوب می‌شوند. سیرجان، بم و کنارک ۳ شهرستان مهاجرپذیر هستند.	۱۸	۸	۸	۳	جنوب شرق (کرمان سیستان)
شهرستان‌های بیرجند، مشهد، چناران (وجود شهر جدید گلپهار)، بینالود (وجود شهر جدید بینالود)، گرمه، مانه و سملقان مهاجرپذیری بالایی دارند. تعداد ۹ شهرستان مهاجرت پایین دارند که در استان خراسان رضوی واقع شده‌اند.	۹	۷	۲۱	۶	شرق و شمال شرق (خراسان)
در مراکز استان‌های شمالی کشور مهاجرپذیری بالاست که نشان‌دهنده شکل‌گیری الگوی فضایی متمرکز در این مناطق هست. در این سه استان، تنها ۲ شهرستان کلاله و رودبار مهاجر فرستی بالایی دارند.	۴	۲	۲۴	۱۹	شمالی (گلستان، مازندران، گیلان)
هیچ کدام از شهرستان‌های استان هرمزگان از مهاجر فرستی بالایی برخوردار نیست و با توجه به شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیکی بیشترین مهاجرپذیری را در جنوب کشور دارد (با توجه به شرایط اقتصادی جزایر کیش، قشم و ابوموسی). این وضعیت در شهرستان‌های جم و کنگان نیز به علت قرارگیری در نزدیکی عسلویه حاکم هست. اکثریت شهرستان‌های استان خوزستان مهاجر فرست‌اند. مهاجر فرست ترین شهرستان کشور (مسجد سلیمان) در خوزستان قرار دارد و دلیل رنجوری به کاهش استخراج نفت در آن بر می‌گردد.	۱۷	۲۱	۲۷	۱۸	جنوبی (هرمزگان، بوشهر، فارس، خوزستان، کهگیلویه)
سنندج، اردبیل و تبریز ۳ شهرستان مهاجر فرستی هستند که مرکز استان در آن‌ها قرار دارد. ارومیه، آذرشهر، اسکو و عجب شیر از مهاجرپذیری بالایی برخوردارند. کمبود ظرفیت‌های توسعه‌ای و کم توسعه‌گی آنها در مقایسه به مناطق مرکزی کشور از دلایل احتمالی مهاجرت فرستی این مناطق	۱۴	۱۸	۲۴	۹	شمال غرب (اردبیل، آذربایجان)

شرقی، غربی، زنجان، کردستان)					محسوب می‌شود. شهرستان‌های استان زنجان مهاجرفرستی بالا ندارند.
غربی (چهارمحال، لرستان، کرمانشاه، ایلام، همدان)	۱	۲۱	۱۷	۹	تنها شهرستان مهاجرپذیر بالا در این محدوده شهرستان دهلران استان ایلام می‌باشد. ۳۵ درصد از شهرستان‌های مناطق غربی کشور مهاجرفرستی بالایی دارند. دلایل آن عدم مدیریت بهینه منابع و عدم سرمایه‌گذاری‌های مناسب جهت بهره‌مندی از پتانسیل‌های منطقه و بهره‌مند شدن مردم منطقه از آن است. همچنین شرایط نامناسب زیست محیطی (پدیده ریزگردها) عامل دیگری می‌باشد.
مرکزی (سمنان، تهران، البرز، مرکزی، قم، اصفهان، یزد، قزوین)	۴۲	۱۸	۶	۸	استان‌های سمنان و یزد هیچ شهرستان با شاخص مهاجرفرستی بالا ندارند. استان قم با یک شهرستان، مهاجرپذیری بالایی دارد. ۵۶ درصد شهرستان‌های این محدوده مهاجرپذیری بالایی دارند. دلیل آن می‌تواند تمرکز نیروی انسانی و سرمایه و صنایع بزرگ و پیشاهنگی باشد. شهرستان تهران تنها شهرستان مهاجرفرست بالایی است که در استان تهران قرار دارد. شهرستان قزوین و اراک نیز تنها شهرستان‌های مهاجرفرست بالای استان خود هستند.

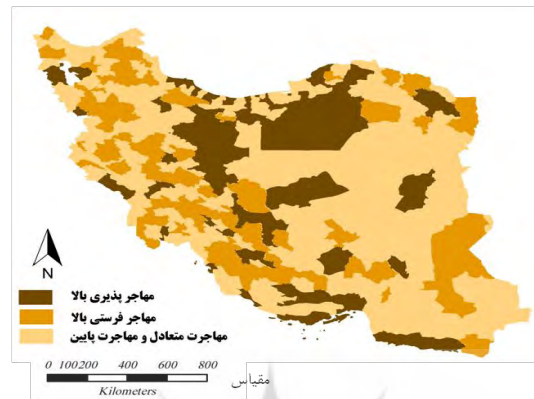
مناطق مرکزی (با توجه به شاخص ناخالص مهاجرت) بیشترین پویایی جمعیتی و از مهاجرپذیری بالایی برخوردار بوده در حالی که مناطق جنوب شرقی کشور (این وضعیت در بلوچستان و بخشی از هرمزگان بیشتر دیده می‌شود) دارای کمترین تحرک جمعیتی بوده و عمده جمعیت آنها چسبیده به مکان هستند و علی‌رغم وجود محرومیت در این منطقه تمایلی به مهاجرت به مناطق دیگر کشور نشان نمی‌دهند. برعکس، مناطق غربی (بر اساس شاخص خالص مهاجرت تعدیل شده) مهاجر فرستی بالایی دارند و تمایل زیادی به جابجایی نشان می‌دهند و عمده این جابجایی به مناطق مرکزی کشور صورت می‌پذیرد. این مساله در بخش شمالی جنوب شرقی کشور هم مصداق دارد.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف تحلیل الگوهای فضایی مهاجرت در میان شهرستان‌های کشور در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و به دنبال شناخت ویژگی‌ها و الگوهای فضایی غالب انجام شد. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان مهاجرپذیری در مناطق مرکزی کشور بالا بوده و هر

چه قدر به سمت مناطق پیرامونی حرکت می کنیم از میزان مهاجرپذیری کاسته شده و روند مهاجر فرستی افزایش می یابد؛ که حاکی از اختلاف توسعه در این مناطق و نیازمند توجه ویژه و سیاستگذاری برای دستیابی به تعادل های منطقه ای در نظام برنامه ریزی کشور است. داده های تفصیلی حاکی از آن است که تعداد ۷۵ شهرستان (۱۷ درصد کل شهرستان های کشور) دارای مهاجر فرستی بالا، ۱۱۶ شهرستان مهاجرفرستی پایین (۲۱ درصد)، ۱۵۴ شهرستان مهاجرپذیری پایین (۲۹ درصد) و ۵۲ شهرستان مهاجرپذیری بالایی برخوردارند. تحرک جمعیتی از نظر میزان مهاجرت ناخالص در کشور بالاست. تنها استثنا در این میان به بخشی از مناطق جنوب شرقی شامل بخشی از هرمزگان و بلوچستان بر می گردد که در آنها نرخ مهاجرت پایین یا نزدیک به صفر بوده و حاکی از چسبندگی به مکان بودن جمعیت در مناطق مربوطه است. علاوه بر این، سواحل جنوبی کشور مانند بخشی از هرمزگان و بوشهر از مهاجرپذیری بالایی برخوردار شده اند که بیانگر جهت گیری کشور برای سرمایه گذاری در این نواحی و ایجاد جذابیت های سرمایه گذاری در مناطق مورد نظر هست. دو استثنای دیگر در این یافته ها می توان پیدا کرد. یکی از آنها مسجد سلیمان هست که روند تخلیه جمعیتی آن ادامه دارد و کاهش استخراج نفت در این منطقه باعث شده که جمعیت رغبتی برای باقی ماندن در آن منطقه نداشته باشد و دیگری به شهرستان تهران بر می گردد که نشان دهنده قدرت گیری مراکز فرعی دیگر در منطقه کلان شهری تهران هست و البته آغاز شکل گیری الگوی فضایی چند مرکزی در منطقه مزبور.

به طور کلی الگوی غالب توزیع فضایی مهاجرت در شهرستان های مناطق شمالی و مرکزی کشور حاکی از مهاجرپذیری بالاست در حالی که این وضعیت در نیمه غربی و شمال غرب مهاجر فرستی بالا را نشان می دهد که به رغم ظرفیت های بالای طبیعی و توانهای محیطی، از مزیت رقابتی لازم برای نگه داشتن جمعیت خود برخوردار نیستند. از این گذشته، الگوی غالب در منطقه جنوب شرق حاکی از ثبات جمعیتی و مهاجرت غیر فعال (مهاجرپذیری و مهاجر فرستی اندک) در این مناطق هست؛ در حالی که الگوی غالب در منطقه شرق و شمال شرق و منطقه جنوبی حاکی از مهاجرت بالا و متعادل می باشد (شکل شماره ۵).



شکل شماره ۵: الگوهای فضایی مهاجرت در فضای سرزمینی ایران سال ۱۳۹۰

این نتایج نشان می‌دهد که میان مهاجر فرستی/پذیری و توسعه یافتگی در مناطق رابطه معناداری وجود دارد. نکته قابل تامل این است که روند تخلیه جمعیتی در مناطقی صورت می‌گیرد که از ظرفیت‌های طبیعی و توانهای محیطی قابل توجهی برخوردار هستند. منتها بی‌توجهی دولت در تقویت زیرساخت‌های فیزیکی، اطلاعاتی و ارتباطی منجر به شکاف توسعه در این مناطق شده و آنها را از نظر مزیت‌های رقابتی به حاشیه رانده است. نتیجه این وضعیت شکل‌گیری مناطق برخوردار که از قدرت رقابت برخوردار بوده و مناطق کم برخوردار که از مواهب توسعه دور مانده است. برای بهبود این وضعیت و شکل دهی به مزیت‌های رقابتی در این مناطق، هدایت و رهبری جریان‌های توسعه به سمت مناطق کم برخوردار و توانمندسازی مناطق مورد نظر به کاهش شکاف توسعه در این مناطق منجر خواهد شد. نشانه‌های بهبود وضعیت در برخی مناطق کشور را به راحتی می‌توان مشاهده کرد و شتاب توسعه در نواحی ساحلی جنوب کشور بویژه در بوشهر و هرمزگان نمونه‌ای از این هدایت دهی توسط دولت محسوب می‌شود. البته محدودیت‌های تحقیق اجازه نمی‌دهد که شواهد زیادی را برای پیشرفت یا واپس ماندگی برخی مناطق در ادوار گذشته ارائه کرد ولی همین نمونه‌ها نشان می‌دهد که افزایش تمرکز زدایی و تراکم زدایی از کشور نیازمند الزامات خاصی هست که اگر بکار گرفته شود، می‌توان به تقویت توازن منطقه‌ای و عدالت فضایی در کشور امیدوار بود.

منابع

- امانپور، سعید. احمدی، رضا. منفرد، سجاد. ترابی، ذبیح الله. (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل روند شکل گیری نخست شهری در سطح استان خوزستان»، پژوهشنامه تاریخی اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان، صفحات ۵۰-۱۹.
- اوبری ا.ا.اس (۱۳۷۰). ۵ مهاجرت، شهرنشینی و توسعه»، ترجمه و فرهنگ ارشاد، تهران، ناشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- ایراندوست، کیومرث. بوچانی، محمدحسین. تولایی، روح الله (۱۳۹۲). «تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تاکید بر مهاجرت‌های شهری»، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۶، صفحات ۱۱۸-۱۰۵.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷). «مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه»، ترجمه: مصطفی سرمدی و پروین رئیسی فرد، انتشارات دفتر بین‌المللی کار.
- داداش پور، هاشم، لواسانی امیررضا، (۱۳۹۴). «تحلیل الگوهای فضایی پراکنده رویی در منطقه کلان شهری تهران». فصلنامه برنامه ریزی فضایی، دوره پنجم، شماره ۱.
- داداش پور، هاشم. تدین، سپیده، (۱۳۹۴). «تحلیل نقش الگوهای سفر در ساختاریابی فضایی مناطق کلان شهری: مورد مطالعاتی منطقه کلان شهری تهران». فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، دوره ۵، شماره ۱۸.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، (۱۳۹۴). قابل دسترس در <http://www.jasjoo.com>
- ربانی، رسول. طاهری، زهرا. روستا، زهرا. (۱۳۹۰). «بررسی علل انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تاثیر آن بر توسعه اجتماعی- اقتصادی (مطالعه موردی مهاجران روستانشین شهرهای تنکابن و رامسر)»، مجله پژوهش و برنامه ریزی، سال دوم، شماره پنجم. صفحات ۱۰۸-۸۳.
- زرقانی، سیدهادی. موسوی، سیده زهرا. (۱۳۹۲). «مهاجرت‌های بین‌المللی و امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۶، شماره اول. صفحات ۲۶-۷.

- زنجانی، حبیب‌الله. (۱۳۸۰). «مهاجرت»، تهران، سمت، چاپ اول.
- قاسمی اردهائی، علی. حسینی راد، علی. (۱۳۸۷). «جریان‌های مهاجرت داخلی ایران طی دهه ۱۳۷۵ تا ۸۵»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۶۵ و ۶۶ صفحات ۲۶-۱.
- کاظمی پور، شهلا، حاجیان، امیر (۱۳۹۰). «ایجاد نخستین کلان شهر واقعی ایران در مجموعه شهری تهران: با تاکید بر سهم مهاجرت»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۷۵ و ۷۶، صفحات ۲۱-۴۷.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۳). «مهاجرت‌های داخلی کشور در سطح شهرستان بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰»، تهران، مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۹). «برآورد جمعیت شهرستان‌های کشور (براساس تطبیق محدوده جغرافیایی شهریور ۱۳۸۹)»، تهران، دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری.
- محمودی، محمدجواد، مشفق، محمود و کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۹)، «تحلیل سیستمی جایگاه منطقه خراسان در نظام مهاجرتی ایران طی دوره ۱۳۵۵ ° ۱۳۸۵»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۷۳ و ۷۴، پاییز و زمستان.
- وارثی، حمیدرضا و کیوان باقری (۱۳۹۲): «بررسی و تحلیل جریان مهاجرت‌های داخلی ایران طی دوره ۹۰-۱۳۸۵»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۸۳/۸۴، صص ۸۵-۶۷.
- Bigotte,Joao., Antunes,Antonio., Krass, Dmitry., and Berman,Oded. (2014). "The Relationship between Population Dynamics and Urban Hierarchy: Evidence from Portugal". *International Regional Science Review*. 37(2). Pp 149-171.
- Blake, Marcus, Martin Bell, and Philip Rees.(2000). "Creating a Temporally Consistent Spatial Framework for the Analysis of Inter-Regional Migration in Australia", *Internatinal Journal Of Geography*. 6, pp155-174.
- Caroline, Brettell., James, Hollifeld., (2000). *Migration Theory: Talking across Disciplines*. New York:Routledge.
- Chan Kam Wing, (2010). Fundamentals of China s urbanization and

- policy. *The China Review*, 10(1).pp 63° 94.
- Chandrasekhar - Ajay Sharma.(2015). Urbanization and Spatial Patterns of Internal Migration in India. *Spatial Demography*-November Volume 3, Issue 2, pp 63-89
- Dadashpoor, Hashem, Khalighi, Nina. 2015. Investigating Spatial Patterns of the Regional Quality of Life in Iran between 1996-2011, *Social Indicators Research*.
- Gries, Thomas., Kraft, Manfred., Simon, Manuel (2015). "Explaining inter-provincial migration in China". *Papers in Regional Science*. 2(4). pp1-23.
- Huw Jones, (1990). *Population Geography*. New York: The Guilford Press.
- Liu, Ye. Shen, Jianfa. (2014). "Spatial patterns and determinants of skilled internal migration in China, 2000° 2005", *Papers in Regional Science*, 93(4) Pp749-772.
- Lomax.Nik, John Stillwell & Paul Norman & Phil Rees.(2014). "Internal Migration in the United Kingdom: Analysis of an Estimated Inter-District Time Series, 2001° 2011". *Spatial Analysis* 7. Pp 25° 45.
- Mcguirk, Pauline, Neil Argent.(2011). "Population Growth and Change: Implications for Australia s Cities and Regions", *Geographical Research*. 49(3).pp 317° 335.
- Sander, Nikola,(2014). "Internal Migration in Germany, 1995-2010: New Insights into East-West Migration and Re-urbanisation", *Comparative Population Studies*, Vol. 39, 2 (2014).pp 217-246.
- Shenghe, liu., Hu, Zhang., Deng, Yu.,Wang, Yingjie.(2011). "The regional types of China s floating population: Identification methods and spatial patterns" *Journal of Geographical Sciences*, 21(1). pp 35-48
- Sjøholt,Peter. (1997). "*The dynamics of Nordic urban systems during the 1980s*", GeoJournal. Kluwer Academic Publishers. Printed in the Netherlands. 43(4), pp 315° 329.
- Yang, Li., Liu, Hui., Tang, Qing.,Lu Dadao.,Xiao Ningchuan.(2014).

"Spatial-temporal patterns of China's interprovincial migration, 1985-2010", *Journal of Geographical Sciences*, 24(5).pp 907-923

